

موسیقی و آلات آن در زندگی و آثار فریدون مشیری از منظر ادبی و روان‌شناسی

محمود فروتن مهرادرانی

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران. رایانامه: foroutanmahmood@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله (۲۳۵-۲۱۷)
موسیقی و شعر همواره در طول تاریخ پیوندی ناگسستنی داشته‌اند و مشیری نیز به عنوان شاعری که اشعارش سرشار از احساس و سادگی است، از موسیقی به عنوان منبع الهام و بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان‌بینی هنری خود بهره برده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای ضمن تحلیل اشعار مشیری، تأثیر ابزارهای موسیقی بر فضای شعری او و بازتاب نمادین این آلات در اشعارش را بررسی می‌کند. آلات موسیقی مانند تار، چنگ و طبل در اشعار مشیری نه تنها به عنوان نمادهایی از فرهنگ و هنر ایرانی، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال احساسات عمیق عاطفی و فلسفی به کار رفته‌اند. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه مشیری با استفاده از موسیقی و سازهای آن، فضایی شاعرانه خلق کرده و احساسات انسانی را به زیبایی بیان می‌کند. همچنین این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه آلات موسیقی در خدمت بیان مفاهیم عمیق در اشعار مشیری قرار گرفته‌اند.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ واژه‌های کلیدی: آلات موسیقی موسیقی ایرانی شعر معاصر فریدون مشیری

۱. مقدمه

موسیقی و شعر، دو هنر اصیل و دیرینه، همواره در طول تاریخ فرهنگ و ادبیات، پیوندی ناگسستنی با یکدیگر داشته‌اند. این دو هنر با توانایی بی‌همتای خود در بیان احساسات و انتقال مفاهیم عمیق انسانی توانسته‌اند در کنار یکدیگر آثاری ماندگار و تأثیرگذار خلق کنند. در میان شاعران معاصر ایران، فریدون مشیری جایگاهی ویژه دارد. موسیقی در زندگی و آثار مشیری نه تنها به عنوان منبع الهام، بلکه به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان‌بینی هنری او حضور دارد. این مقاله به بررسی نقش موسیقی و آلات موسیقی در زندگی و آثار فریدون مشیری می‌پردازد. از یک سو تأثیر ابزارهای موسیقی بر شکل‌گیری فضای شعری او و از سوی دیگر، بازتاب نمادین این آلات در اشعارش مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با بررسی این موضوع می‌توان به درک بهتری از نحوه تعامل مشیری با موسیقی و چگونگی بازتاب این تعامل در شعرهایش دست یافت. همچنین این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه آلات موسیقی به عنوان نمادهایی هنری، در خدمت بیان مفاهیم عمیق عاطفی و فلسفی در اشعار مشیری قرار گرفته‌اند.

کهن‌ترین تمدن موسیقایی جهان در بین‌النهرین شکل گرفته و قدیمی‌ترین سازها و نوشته‌ها در موسیقی نزد سومریان یافت شده است. موسیقی سومری در خدمت مذهب بود و مراسم مذهبی آنها در زیگورات‌ها (معابد سومری) اجرا می‌شد. سومری‌ها از سازهای مختلف موسیقی مانند دهل، نای، بوق، شیپور و چنگ یک ارکستر واقعی به وجود آورده بودند. (جعفری نژاد و حزین، ۱۴۰۳: ۱۶۳)

در اهمیت موسیقی، سخن بسیار گفته شده است: «پس از این است که هر گاه شخصی نغمه سرائی کند خواه از آلات نغمات و خواه دهانی، روح را حظی وافر بخشد. (عبدالمومن این صفی‌الدین، ۱۳۴۶: ۲۲) توجه به موسیقی از دیرباز مدنظر شاعران بوده است. مثلاً «خیام کتابی به نام شرح المشکل من کتاب الموسیقی نوشته است و در آن مسائل مهمی را توضیح داده که از آن جمله می‌توان به تعریف سری موسیقی اشاره کرد.» (خیام، ۱۳۷۵: ۲۹) همچنین درباره موسیقی ایرانی آمده: «در اواخر دوره قاجار محدود به موسیقی هنری شهری، موسیقی عوام پسند شهری موسیقی نواحی و موسیقی آیینی می‌شد. موسیقی‌دانان هر یک از این ژانرهای موسیقی در فضای نسبتاً بسته‌ای فعالیت می‌کردند.» (مقانیه، ۱۴۰۲: ۷) هرچند «موسیقی ما هنوز آنچنان که شاید و از آن راه که باید مانند موسیقی غربی مدون نشده» (منصوری، ۱۳۴۸: ۱) فریدون مشیری، شاعر نام‌آور معاصر ایران در اشعار خود همواره از عناصر موسیقی به ویژه آلات و سازهای موسیقی بهره‌ای هنرمندانه برده است. این سازها نه تنها به

عنوان نمادهایی از فرهنگ و هنر ایرانی، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال احساسات و ایجاد فضایی شاعرانه در اشعار او حضور پررنگی دارند. مشیری با تسلط بر ظرافت‌های موسیقی ایرانی از سازهای مختلف به عنوان عناصری زنده و پویا در شعر خود استفاده کرده است. این سازها در اشعار او گاه به عنوان نماد عشق و شور، گاه به عنوان نشانه‌ای از غم و تنهایی و گاه به عنوان واسطه‌ای برای بیان حالات درونی شاعر به کار رفته‌اند.

درباره نام آلات موسیقی هم باید گفت که «در زبان عربی، اسامی آلان موسیقی زیاد است» (مری بویس، ۱۳۶۸: ۱۱۳) بررسی زندگی فریدون مشیری و حضور جریان هنر موسیقی در زندگی او «مشیری، شاعر اهل موسیقی است کسانی که از نزدیک با زندگی او آشنا می‌دانند که بخش زیادی از زندگی او با عشق به موسیقی می‌گذرد. این عشق و شیفتگی از دوران نوجوانی شکل گرفت.» (محمدی آملی ۱۳۸۲: ۳۵-۳)

خود او می‌گوید: «من در کنار سرودن شعر ماندولین نیز می‌زنم البته به شکل غیر حرفه‌ای. خودم پیش خودم و برای دلم یک چیزهایی می‌نوازم چون موسیقی را خیلی دوست دارم خیلی دلم می‌خواست، می‌توانستم تار بزنم.» (همان: ۳۷) باتوجه به این پشتوانه و حضور و جریان موسیقی و به طور خاص حضور موسیقی ایرانی در زندگی فریدون مشیری به سادگی نمی‌توان از نفوذ و تاثیرگذاری موسیقی در زندگی و آثار ایشان گذر کرد.

برخی از مختصات و ویژگی‌های شعر و قلم فریدون مشیری. «در شعر مشیری از سال‌های ۴۸ و ۴۹ شمسی به بعد نیمه حرکتی به سوی تحول پیداست چه در لفظ و چه در محتوی و خاصه در شعرهای جدیدتر او نوعی فلسفه و تفکر اجتماعی به چشم می‌خورد که می‌تواند راه‌گشایی باشد به سوی تکامل برای شعر مشیری.» (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۱۷)

مشیری «به علت آشنایی نسبی با ادبیات کلاسیک و تئوری موسیقی موسیقی طبیعی شعر فارسی را خوب می‌شناسد و بدون تکلف و تصنع آهنگ دلنشینی به شعر می‌دهد؛ این آهنگ نتیجه وزن، قافیه و تناسب‌های لفظی است و از صنایع بدیعی لفظی که موسیقی متن را افزایش می‌دهند هم در شعر مشیری هست.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۱۱)

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

موسیقی و شعر از دیرباز پیوندی ناگسستنی داشته‌اند و هر یک به عنوان ابزاری برای بیان احساسات و انتقال مفاهیم عمیق انسانی عمل کرده‌اند. فریدون مشیری، شاعر معاصر ایران، از جمله شاعرانی است که در اشعار خود به‌طور گسترده از عناصر موسیقی و سازهای ایرانی مانند تار، چنگ و طبل بهره برده است. این سازها در اشعار او نه تنها به عنوان نمادهای

فرهنگی و هنری، بلکه به عنوان ابزاری برای بیان عواطف و حالات درونی او به کار رفته‌اند. با این حال، چگونگی تأثیر این آلات موسیقی بر فضای شعری مشیری و نقش نمادین آن‌ها در انتقال مفاهیم عاطفی و فلسفی نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد. این پژوهش به دنبال کشف این مسئله است که چگونه موسیقی و سازهای آن در زندگی و آثار مشیری حضور یافته‌اند و چه نقشی در خلق فضای شاعرانه و بیان احساسات او ایفا کرده‌اند. این مقاله به دنبال پاسخ مناسبی است تا دریابد موسیقی و آلات موسیقی چگونه در زندگی و آثار فریدون مشیری حضور یافته‌اند و تأثیر نمادین آلات موسیقی مانند تار، چنگ و طبل بر فضای شعری او چگونه بوده است، همچنین پاسخ می‌دهد مشیری چگونه از موسیقی و سازهای آن برای انتقال مفاهیم عاطفی و فلسفی در اشعار خود استفاده کرده و نقش موسیقی در شکل‌گیری جهان‌بینی هنری مشیری چیست؟

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

بررسی نقش موسیقی در اشعار فریدون مشیری از چند جهت حائز اهمیت است: این پژوهش به لحاظ ادبی به درک بهتر شیوه‌های بیان شاعرانه و استفاده از نمادهای موسیقایی در شعر معاصر فارسی کمک می‌کند. از منظر فرهنگی موسیقی بخشی از هویت فرهنگی ایران است و تحلیل بازتاب آن در اشعار مشیری گامی در جهت حفظ و شناخت این میراث فرهنگی محسوب می‌شود. به لحاظ روان‌شناختی نیز بررسی تأثیر موسیقی بر بیان احساسات در شعر مشیری، می‌تواند به درک ارتباط عمیق بین هنر و روان انسان منجر شود. از زاویه علمی این تحقیق به غنای مطالعات بینارشته‌ای در حوزه ادبیات و موسیقی می‌افزاید و الگویی برای تحلیل آثار دیگر شاعران ارائه می‌دهد.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش موسیقی و آلات موسیقی در زندگی و آثار فریدون مشیری است. این پژوهش به دنبال آن است تا چگونگی استفاده مشیری از موسیقی و سازهای آن را در اشعارش بررسی کند؛ نمادها و مفاهیم پنهان در پس استفاده از آلات موسیقی را کشف و تحلیل نماید؛ تأثیر موسیقی بر جهان‌بینی هنری مشیری و شیوه بیان احساسات او را تبیین کند، به درک عمیق‌تری از تعامل بین موسیقی و شعر در ادبیات معاصر فارسی دست یابد و نهایتاً با ارائه تحلیلی جامع، می‌کوشد تا پیوند ناگسستنی موسیقی و شعر در آثار مشیری را روشن کرده و اهمیت این تعامل را در خلق آثار ادبی ماندگار نشان دهد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

درباره فریدون مشیری و همچنین آلات موسیقی به صورت جداگانه تحقیقاتی انجام شده است اما کار تحقیقی مستقلى که به موسیقی و آلات موسیقی در اشعار فریدون مشیری بپردازد انجام نشده است. تنها در سایت‌ها یا جراید و روزنامه‌ها مطالب پراکنده‌ای در این باره آمده است که هیچ‌کدام به شکل مقاله یا کتاب نیستند. به برخی از کارهای تحقیقی که به کار ما نزدیک هستند اشاره می‌شود:

مثلاً در سایت پیانوباربد به آلبوم‌های موسیقی که شاعر آن‌ها فریدون مشیری بوده پرداخته شده است یا در سایت دیگری به نام فروتیان بلوغفا، تقریباً به همین نکته پرداخته شده است. الهام آرانیان هم در روزنامه خراسان شماره ۲۱۶۱ مطلبی را انتشار داده است با این عنوان: «سایه فریدون مشیری بر سر کوچه‌های ادبیات و موسیقی» همچنین خبرگذاری تسنیم، مطلبی را با عنوان معروف‌ترین شعر مشیری به روایت موسیقی گفتار را در تاریخ دوم فروردین ۱۴۰۰ آورده است.

به برخی مقالاتی که در مورد اشعار فریدون مشیری نگاشته شده است اشاره می‌شود: علی گراوند و معصومه نادى (۱۳۹۲) به جلوه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون مشیری پرداخته‌اند. زینب باقری و اعظم نیک آبادی (۱۳۹۳) نیز به بررسی و تحلیل محتوایی شعر فریدون مشیری، پرداخته‌اند. آزاده قاسمی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی طرحواره جمعی واژه غم در اشعار فریدون مشیری نظر داشته‌اند. برات محمدی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی گفتمان مدارا و رویکرد تعلیمی در شعر فریدون مشیری پرداخته‌اند.

از کوچه تا پرواز تحلیل و گزیده شعر فریدون (۱۳۸۰) از محمدعلی شفايي بررسی و تحلیل نمادهای اجتماعی در شعر فریدون مشیری (۱۳۹۶) از فاطمه کعب اصل جایگاه انسان در شعر فریدون مشیری و نزار قبانی (۱۳۹۳) از فاطمه پاکرو و حمید صادقی از جمله کتاب مرتبط با زندگی و شعر فریدون مشیری است.

نقد و تحلیل محتوایی اشعار فریدون مشیری از سارا تاغونکی و بررسی سبک شناختی شعر فریدون مشیری از مصطفی رحیمی کاشانی نیز پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع هستند.

۲. حضور موسیقی و آلات آن در زندگی و آثار فریدون مشیری

۲-۱. فریدون مشیری

فریدون مشیری (۱۳۰۵-۱۳۷۹) از شاعران معاصر ایران و متولد تهران است. او از نوجوانی شعر سرود و اولین مجموعه اشعارش، *تشنه طوفان* در ۲۸ سالگی منتشر شد. مشیری در کنار

شاعری ۳۳ سال در وزارت پست و تلگراف خدمت کرد و همزمان با مطبوعات همکاری داشت. از معروف‌ترین اشعار او کوچه است که از عاشقانه‌ترین شعرهای نو فارسی محسوب می‌شود. او به موسیقی ایرانی علاقه‌مند بود و در برنامه‌های رادیویی مانند گل‌های تازه مشارکت داشت. مشیری در ۷۴ سالگی درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. سبک شعرش ساده، روان و پراحساس بود. عبدالحسین زرین‌کوب از او به عنوان شاعری با «زبانی گرم و دلنواز» یاد کرده است.

۲-۲. موسیقی و آلات موسیقی

از دیرباز، اهمیت موسیقی و علاقه به آن در میان انسان‌ها و جوامع مختلف وجود داشته است. موسیقی، صدای مشترک انسان‌هاست. با این وجود می‌دانیم که «دانش ما از موسیقی جهان باستان چندان گسترده نیست.» (احمدی، ۱۳۸۹: ۳۸۶) از جنبه‌های اجتماعی، موسیقی، افراد را گرد هم می‌آورد و حس همبستگی و اشتراک را تقویت می‌کند. در زندگی روزمره، موسیقی همراهی‌کننده‌ای است که می‌تواند لحظات خسته‌کننده را به تجربه‌هایی لذت‌بخش تبدیل کند.

آلات موسیقی در ادبیات به عنوان نمادهایی از فرهنگ، احساس و هنر نقش مهمی ایفا می‌کنند. این سازها، مانند تار، سه‌تار، دف و نی، در شعر و نثر برای انتقال عواطف، خلق فضای موسیقایی و بیان حالات درونی به کار می‌روند. در شعر فارسی، توصیف سازها و صدای آن‌ها عمق احساسی اثر را افزایش می‌دهد و مخاطب را به دنیای شاعر نزدیک‌تر می‌کند. آلات موسیقی، پلی میان ادبیات و هنر موسیقی هستند.

۲-۲-۱. تار

تار «ساز، چون چنگ و طنبور و قانون و امثال آن» (آندراج) محمد معین در حاشیه برهان قاطع از اوستا: تره (قیاس شود با هندی باستان: تانتره ۲ = رشته طناب). مؤلف فرهنگ نظام: اگر تار فلزی روی ظرف مجوفی کشیده شود و با مضرابی به آن تارها بزنند صدای ساز می‌دهد. یکی از اقسام ساز ایران را برای این تار می‌گویند که روی آن تارهای فلزی کشیده شده است، این لفظ در سنسکریت «تره» است: رود؛ ... تاری که بر روی سازها کشند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۱۷۶)

«تار از سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که در ساخت آن از چوب، پوست، استخوان، زه (روده تابیده چهارپایان) و فلز استفاده می‌شود و طول کلی آن حدود ۹۵ سانتی متر است.» (ارفع و درویشی، ۱۳۹۹: ۳) «از این ساز نه تنها در موسیقی کلاسیک ایران که در

موسیقی کلاسیک کشور آذربایجان نیز استفاده می‌شود، با این تفاوت که پشت کاسه تار آذری کمی صاف‌تر از تار موسیقی کلاسیک ایران است.» (کولیوند، ۱۳۹۹: ۵۴) تار با مضرابی کوچک از جنس برنج به طول تقریبی سه سانتی‌متر نواخته می‌شود. (ابراهیم تبار و همکاران، ۱۳۹۲: ۵)

تار در اشعار فریدون مشیری:

آن شوق و اضطراب که شاعر را چنگی به تار جان بنوازد نیست (مشیری، ۱۳۸۳: ۲۰)

در این بیت، چنگ و تار به‌عنوان نمادهایی از موسیقی و احساسات عمیق انسانی به‌کار رفته‌اند. چنگ نماد هنر و موسیقی است که می‌تواند احساسات را به شکلی زیبا و موزون بیان کند، در حالی که تار جان نماد رشته‌های روح و روان انسان است. این ترکیب نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین موسیقی و روان آدمی است.

شاعر از دو احساس متضاد «شوق و اضطراب» سخن می‌گوید. شوق نمایان‌گر اشتیاق و میل شدید به بیان احساسات است، در حالی که اضطراب نشان‌دهنده نگرانی و تنش درونی است. این دوگانگی احساسی، حالات پیچیده روانی شاعر را در مواجهه با خلاقیت و بیان هنری نشان می‌دهد.

شاعر با استفاده از عبارت «نیست»، به نفی یک حالت یا امکان اشاره می‌کند. این نفی می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که شاعر احساس می‌کند آن شوق و اضطراب لازم برای نواختن چنگ بر تار جان وجود ندارد. این می‌تواند نشان‌دهنده نوعی ناتوانی یا موانع درونی در بیان احساسات باشد.

شوق و اضطراب دو حالت روانی متضاد اما مرتبط هستند. شوق نشان‌دهنده اشتیاق و انرژی مثبت برای خلق هنر است، در حالی که اضطراب نمایان‌گر ترس و نگرانی از ناتوانی در بیان کامل احساسات است. این دوگانگی احساسی می‌تواند نشان‌دهنده تنش درونی شاعر در فرآیند خلاقیت باشد.

در این بیت، موسیقی (چنگ) به‌عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق روانی (تار جان) به‌کار رفته است. از منظر روان‌شناسی، موسیقی می‌تواند به‌عنوان یک رسانه‌ی قدرتمند برای بیان احساسات ناخودآگاه و عواطف پنهان عمل کند. شاعر با استفاده از این نمادها، تلاش می‌کند تا احساسات درونی خود را از طریق هنر و موسیقی بیان کند.

عبارت «نیست» در پایان بیت می‌تواند نشان‌دهنده نوعی ناتوانی یا مانع درونی باشد. این ناتوانی می‌تواند ناشی از اضطراب، ترس از قضاوت یا حتی احساس ناکافی بودن در بیان کامل

احساسات باشد. این موضوع از منظر روانشناسی می‌تواند به مسائلی مانند کمال‌گرایی یا ترس از شکست در خلاقیت مرتبط باشد.

«تار جان» به‌عنوان نمادی از رشته‌های روح و روان انسان، نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین موسیقی و روان است. نواختن چنگ بر تار جان می‌تواند به معنای برانگیختن احساسات عمیق و درونی باشد که ممکن است در حالت عادی پنهان باشند. این موضوع از منظر روان‌شناسی می‌تواند به فرآیند خودشناسی و بیان ناخودآگاه مرتبط باشد. بنابراین این بیت از فریدون مشیری به‌طور زیبایی از نمادهای موسیقایی مانند چنگ و تار برای بیان احساسات عمیق انسانی استفاده کرده است. از منظر ادبیاتی، زبان استعاری و نمادین شاعر، قدرت موسیقی در برانگیختن عواطف را نشان می‌دهد. از منظر روان‌شناسی، این بیت به حالات پیچیده روانی مانند شوق، اضطراب و ناتوانی در بیان احساسات اشاره دارد. موسیقی در این بیت به‌عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و درونی شاعر عمل می‌کند و ارتباط عمیق بین هنر و روان انسان را نشان می‌دهد.

گیرم هزار نغمه سرایم ز چنگ دل گیرم هزار پرده بر آرم ز تار جان
(همان: ۲۶۴)

تار نیز نمادی از موسیقی است، اما در اینجا به‌صورت «تار جان» به کار رفته است که نشان‌دهنده ارتباط موسیقی با روح و روان انسان است. تار جان نماد رشته‌های روح است که با نواختن آن، احساسات عمیق برانگیخته می‌شوند.

شاعر از تکرار واژه «گیرم» استفاده کرده که نشان‌دهنده فرضی بودن یا شرطی بودن این حالت‌هاست. این تکرار تأکیدی بر این است که حتی اگر شاعر بتواند هزاران نغمه بسراید یا هزاران پرده برآورد، باز هم ممکن است احساس کند که این بیان کافی نیست.

از منظر روان‌شناسی، این بیت به فرآیند خلاقیت و بیان احساسات اشاره دارد. شاعر با بیان «هزار نغمه سرایم» و «هزار پرده بر آرم»، به تلاش خود برای بیان احساسات عمیق و درونی از طریق هنر و موسیقی اشاره می‌کند. این فرآیند می‌تواند همراه با شوق و اضطراب باشد، زیرا بیان احساسات عمیق همواره با تنش و نگرانی همراه است.

با وجود اینکه شاعر از توانایی خود در خلق هزاران نغمه و پرده سخن می‌گوید، استفاده از واژه «گیرم» نشان‌دهنده نوعی ناتوانی یا مانع درونی است. این ناتوانی می‌تواند ناشی از اضطراب، ترس از قضاوت یا حتی احساس ناکافی بودن در بیان کامل احساسات باشد. این موضوع از منظر روان‌شناسی می‌تواند به مسائلی مانند کمال‌گرایی یا ترس از شکست در خلاقیت مرتبط باشد.

شاعر در این بیت به دو احساس متضاد شوق و اضطراب اشاره می‌کند. شوق نمایان‌گر اشتیاق و میل شدید به بیان احساسات است در حالی که اضطراب نشان‌دهنده نگرانی و تنش درونی است. این دوگانگی احساسی می‌تواند نشان‌دهنده حالات روانی پیچیده‌ای باشد که شاعر در مواجهه با خلاقیت و بیان هنری تجربه می‌کند.

در واقع این بیت از فریدون مشیری به‌طور زیبایی از نمادهای موسیقایی مانند چنگ و تار برای بیان احساسات عمیق انسانی استفاده کرده است. از منظر ادبیاتی، زبان استعاره و نمادین شاعر، قدرت موسیقی در برانگیختن عواطف را نشان می‌دهد. از منظر روان‌شناسی این بیت به حالات پیچیده روانی مانند شوق، اضطراب و ناتوانی در بیان احساسات اشاره دارد. موسیقی در این بیت به‌عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و درونی شاعر عمل می‌کند و ارتباط عمیق بین هنر و روان انسان را نشان می‌دهد.

۲-۲-۲. چنگ

چنگ «یکی از سازهای بسیار قدیمی است که دو هزار سال پیش از میلاد در آشور و بابل رایج بوده است. انواع ابتدایی آن مثلثی شکل و با تخته و به طول نزدیک به یک گز، دارای میله چوبی بوده که به‌طور عمودی بر یک سر این تخته نصب می‌شده است.» (حدادی، ۱۱۰: ۳۷۶) «چنگ: آلتی موسیقی از ذوات الاوتار که ستر انواع ابتدائی آن شکل مثلث داشت و شامل یک تخته به طول تقریباً یک گز و یک میله چوبی بود که به‌طور عمودی بر یک انتهای شت این تخته نصب می‌شد و انتهای دیگر این موار میله چوبی شکل دست انسان را داشت و به‌تدریج تکمیل گردید.» (معین، ۱۳۸۶: ۵۷۱) «در صورت ابتدایی، چنگ از کمان شکارچیان الهام گرفته شد و بعد تارها یا رشته‌های ابریشم (زه) کاسه طنینی، سیم‌گیر منحنی و جزئیات دیگر بدان افزوده‌اند. کمتر سازی است که مانند چنگ بر روی زبان شاعران فارسی زبان رایج بوده است» (ستایشگر، ۱۳۸۱: ۳۳۷-۳۳۶)

مرا عشق او چنگ اندوه ساخت که جز غم در این چنگ آهنگ نیست (مشیری، ۱۳۸۳: ۲۲۵)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد غم و اندوه به کار رفته است. شاعر بیان می‌کند که عشق، چنگ را به ابزاری برای بیان اندوه تبدیل کرده است و هیچ نوایی جز غم از آن برنمی‌خیزد. این استفاده از چنگ نشان‌دهنده تأثیر عمیق عشق بر روح شاعر است که او را به سمت غم و اندوه سوق داده است.

این بیت از فریدون مشیری از منظر روان‌شناسی و ادبیاتی تحلیل می‌شود. چنگ در اینجا نماد غم و اندوه است و نشان‌دهنده تأثیر عمیق عشق بر روح شاعر است. از منظر روان‌شناسی،

عشق به عنوان یک نیروی قدرتمند، شاعر را به سمت احساسات غم‌انگیز سوق داده است. این غم می‌تواند ناشی از فراق، ناکامی یا درد عشق باشد. از منظر ادبیاتی، چنگ به عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق به کار رفته است و نشان‌دهنده این است که موسیقی و هنر می‌توانند احساسات درونی را به شکلی زیبا و موزون بیان کنند. این بیت به خوبی ارتباط بین عشق، غم و هنر را نشان می‌دهد.

به لب جز سرود امیدم نبود مرا بانگ این چنگ خاموش کرد
(همان: ۲۲۵)

در این بیت، چنگ به عنوان نمادی از ناامیدی و سکوت به کار رفته است. شاعر می‌گوید که تنها سرود امید بر لب داشت، اما صدای چنگ (که احتمالا نماد غم یا واقعیت تلخ است) او را خاموش کرده است. این بیت نشان‌دهنده تقابل بین امید و ناامیدی است که چنگ در اینجا نقش ناامیدی را ایفا در این بیت، فریدون مشیری از چنگ به عنوان نماد ناامیدی و سکوت استفاده کرده است. از منظر روان‌شناسی، شاعر میان امید و ناامیدی در تقابل است؛ سرود امید نمایانگر آرزوها و خواسته‌های اوست، اما صدای چنگ (نماد غم یا واقعیت تلخ) او را به سکوت وادار می‌کند. این تقابل نشان‌دهنده کشمکش درونی بین امیدواری و تسلیم در برابر ناامیدی است. از منظر ادبیاتی، چنگ به عنوان ابزاری نمادین، احساسات عمیق شاعر را بیان می‌کند و سکوت ناشی از آن، نشان‌دهنده تسلط غم بر امید است. این بیت به زیبایی تضاد بین امید و ناامیدی را در قالب نمادهای موسیقایی به تصویر می‌کشد.

ای چنگ غم که از تو به جز ناله بر نخاست راهی بزن که ناله از این بیشتر کنی
(همان: ۲۴۲)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد غم و ناله به کار رفته است. شاعر از چنگ می‌خواهد که راهی برای بیان ناله‌های بیشتر بیابد، گویی که غم او آنقدر عمیق است که حتی ناله‌های چنگ نیز کافی نیستند. این بیت نشان‌دهنده اوج اندوه و ناتوانی در بیان کامل آن است.

در این بیت، فریدون مشیری از چنگ به عنوان نماد غم و ناله استفاده کرده است. از منظر روان‌شناسی، شاعر در اوج اندوه قرار دارد و احساس می‌کند ناله‌های چنگ نیز قادر به بیان کامل غم او نیستند. این نشان‌دهنده عمق رنج و ناتوانی در ابراز کامل احساسات است. از منظر ادبیاتی، چنگ به عنوان ابزاری نمادین، غم شاعر را به تصویر می‌کشد و درخواست شاعر برای «ناله‌های بیشتر» بیان‌گر شدت و فراوانی اندوه اوست. این بیت به زیبایی تقابل بین غم درونی و محدودیت‌های بیان هنری را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که گاهی احساسات آنقدر عمیق هستند که حتی هنر نیز قادر به بیان کامل آن‌ها نیست.

مباد آن دم که چنگ نغمه سازت ز دردی بر نیانگیزد نوایی

(همان: ۲۵۳)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد موسیقی و نغمه‌سرایی به کار رفته است. شاعر آرزو می‌کند که چنگ (نماد هنر و موسیقی) هیچ‌گاه از بیان دردها بازنماند. این بیت نشان‌دهنده اهمیت هنر و موسیقی در بیان رنج‌ها و دردهای انسان است.

در این بیت، فریدون مشیری از چنگ به عنوان نماد موسیقی و بیان احساسات استفاده کرده است. از منظر روان‌شناسی، شاعر نگران لحظه‌ای است که چنگ (نماد هنر و بیان) دیگر قادر به نواختن نغمه‌های درد و رنج نباشد. این ترس نشان‌دهنده وابستگی شاعر به هنر برای ابراز دردهای درونی است و فقدان این ابزار بیان، می‌تواند به معنای انزوای عاطفی باشد. از منظر ادبیاتی، چنگ به عنوان نمادی از خلاقیت و بیان هنری، نقش مهمی در انتقال احساسات شاعر دارد. این بیت به زیبایی اهمیت هنر در بیان دردها و ترس از خاموشی آن را نشان می‌دهد، گویی که بدون هنر، دردها بی‌صدا و ناگفته باقی می‌مانند.

گیرم هزار نغمه سرایم ز چنگ دل گیرم هزار پرده بر آرم ز تار جان
(همان: ۲۶۴)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد موسیقی درون و احساسات عمیق انسانی به کار رفته است. شاعر بیان می‌کند که حتی اگر هزاران نغمه از چنگ دلش بسراید و هزاران پرده از تار جان‌ش بنوازد، باز هم نمی‌تواند تمام احساساتش را بیان کند. این بیت نشان‌دهنده عظمت احساسات و ناتوانی هنر در بیان کامل آن‌هاست.

در این بیت، فریدون مشیری از چنگ دل و تار جان به عنوان نمادهای موسیقی درون و احساسات عمیق استفاده کرده است. از منظر روان‌شناسی، شاعر به محدودیت‌های بیان احساسات از طریق هنر اشاره می‌کند؛ حتی با هزاران نغمه و پرده، بیان کامل عواطف ممکن نیست. این نشان‌دهنده عمق و پیچیدگی احساسات انسانی است که گاهی فراتر از توان هنر قرار می‌گیرد. از منظر ادبیاتی، چنگ و تار به عنوان نمادهای موسیقی، ابزارهایی برای بیان دردها و شادی‌های درونی هستند، اما شاعر تأکید می‌کند که هنر نیز قادر به انتقال کامل این احساسات نیست. این بیت به زیبایی عظمت احساسات و محدودیت‌های بیان هنری را به تصویر می‌کشد.

با زمزمه باران در پیش تو می‌گوییم چون چنگ هزار آوا پر شور و نوا دریا
(همان: ۴۱۷)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد موسیقی پر شور و احساسات سرشار به کار رفته است. شاعر با زمزمه باران، احساسات خود را مانند چنگی می‌سراید که هزاران آوا و نوا دارد. این بیت نشان‌دهنده هماهنگی بین طبیعت (باران) و موسیقی (چنگ) در بیان احساسات است.

این بیت از فریدون مشیری، با استفاده از نمادها و تصاویر شاعرانه به بیان احساسات عمیق و سرشار از عاطفه می‌پردازد. زمزمه باران به عنوان یک عنصر طبیعی، نماد آرامش و هماهنگی با احساسات درونی شاعر است. باران با صدای ملایم و مداومش، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن شاعر می‌تواند احساسات خود را آزادانه بیان کند.

چنگ، به عنوان نماد موسیقی و هنر، نشان‌دهنده قدرت بیان احساسات از طریق آواها و نواهاست. چنگ هزار آوا و نوا دارد که این نشان‌دهنده تنوع و عمق احساسات شاعر است. این تصویر نشان می‌دهد که احساسات شاعر مانند دریایی پر از موج‌های مختلف است که هر کدام نمایانگر حالتی خاص از عاطفه و هیجان هستند.

از دیدگاه روان‌شناسی، این بیت می‌تواند بیانگر نیاز شاعر به بیان احساسات خود در قالب هنر و موسیقی باشد. موسیقی و طبیعت هر دو به عنوان ابزارهایی برای تخلیه احساسات و رسیدن به آرامش درونی عمل می‌کنند.

شاعر با استفاده از این نمادها، نشان می‌دهد که چگونه هنر و طبیعت می‌توانند به عنوان پلی بین دنیای درونی و بیرونی عمل کنند و به فرد کمک کنند تا احساسات خود را به شیوه‌ای زیبا و هماهنگ بیان کند.

در کل، این بیت نشان‌دهنده هماهنگی بین طبیعت و هنر در بیان احساسات است و از دیدگاه روانشناسی، بیانگر نیاز انسان به بیان و تخلیه احساسات از طریق ابزارهای هنری و طبیعی است.

نغمه پردازان باران می‌زنند گرم و شیرین هر زمان چنگی به سیم
(همان: ۷۵۲)

در این بیت، چنگ به عنوان نماد موسیقی و نغمه‌سرایی به کار رفته است. شاعر باران را به نغمه‌پردازانی تشبیه می‌کند که با چنگ خود موسیقی گرم و شیرین می‌نوازند. این بیت نشان‌دهنده زیبایی و هماهنگی طبیعت با موسیقی است. این بیت از فریدون مشیری با استفاده از تشبیه باران به نغمه‌پردازان، زیبایی و هماهنگی طبیعت را با موسیقی به تصویر می‌کشد. باران، به عنوان یک پدیده طبیعی، به نوازندگانی تشبیه شده‌اند که با چنگ‌های خود موسیقی گرم و شیرین می‌نوازند. این تشبیه نشان‌دهنده این است که طبیعت خود یک منبع بی‌پایان از موسیقی و هنر است که می‌تواند احساسات عمیق و لطیف را در انسان برانگیزد. از دیدگاه روان‌شناسی این بیت می‌تواند بیانگر نیاز انسان به هماهنگی با طبیعت و یافتن آرامش در آن باشد. موسیقی باران با گرمی و شیرینی‌اش، می‌تواند به عنوان یک عامل تسکین‌دهنده و آرام‌بخش عمل کند. این تصویر نشان می‌دهد که چگونه طبیعت می‌تواند به عنوان یک منبع الهام و آرامش برای انسان عمل کند و به او کمک کند تا احساسات خود را

در قالب هنر و موسیقی بیان کند. در کل این بیت نشان‌دهنده زیبایی و هماهنگی طبیعت با موسیقی است و از دیدگاه روان‌شناسی، بیانگر نیاز انسان به هماهنگی با طبیعت و یافتن آرامش در آن است.

۲-۲-۳. طبل

آوای طبل، «نوعی اعلام خبر مراسم عروسی و شادی، جنگ و عزاء، ایستادن و حرکت کاروان‌ها و اعلام تجمع مردم محسوب می‌شده است. در فرهنگ‌ها و دیوان‌های شاعران از طبل به «دهل»، «تَبیره»، «نقاره»، «کوس»، «کناره»، نوعی نقاره خُرد تعبیر گردیده است. طبل، امروز از آلات کوبه‌ای است که بر دو طرف آن، پوستی کشیده شده است، متصل بر چنبر چوبی و با دو ترک و یا کوبه که بر آن می‌کوبند. پوست طبل یا دهل به وسیله تسمه‌هایی که در اطرافش محکم کرده‌اند، کشیده شده و یا جمع (سفت و شل) می‌شود و از این طریق در اصوات بم و بمتر و زیر، تأثیری به وجود می‌آید.» (گولپینارلی، ۵۸۳)

سدیفی در کتابش از پنج نوع طبل نام می‌برد (رک: سدیفی، ۱۳۹۰: ۹)

و در فرهنگ ضرب المثل‌های فارسی حسن ذوالفقاری پانزده مورد ضرب‌المثل درباره طبل آمده است. (رک: ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۲۹۹-۱۲۹۸) سازی است کوبه‌ای و رزمی که در ایران و خاورمیانه متداول است دارای چنبر چوبی بزرگ که بر دو دهانه آن پوست کشیده می‌شود و با تسمه‌هایی که در اطراف دارد می‌شود، پوست را کمی محکم‌تر و یا شل‌تر نمود و باین طریق در زیر و بمی صدا تغییراتی داد بوسیله دوچوب مساوی و باریک به صدا در می‌آید.» (اطرائی، ۱۳۶۰: ۷۹)

دلم در سینه طبل مرگ می‌کوفت تنم از سوز تب چون کوره می‌سوخت (مشیری، ۱۳۸۳: ۳۴۰)

مشیری تنها یک مرتبه از واژه طبل استفاده کرده آن هم به شکل ترکیب طبل مرگ. یعنی مرگ را به طبلی شبیه کرده است که زمانش که فرا رسید در آن می‌کوبند. طبیعتاً این استفاده از کلمه طبل، کاملاً بار معنایی غمگینی دارد.

طبل مرگ: طبل در این بیت نمادی از موسیقی و ریتم است، اما با اضافه شدن واژه «مرگ»، این نماد به مفهومی تاریک و غم‌انگیز تبدیل می‌شود. طبل مرگ می‌تواند نمادی از پایان زندگی یا احساس ناامیدی باشد. این ترکیب نشان‌دهنده این است که موسیقی می‌تواند حتی در تاریک‌ترین لحظات زندگی نیز حضور داشته باشد.

شاعر از زبان استعاره‌ای استفاده کرده است: «طبل مرگ» و «کوره‌ی سوز تب». این استعاره‌ها نشان‌دهنده‌ی حالات درونی شاعر هستند. طبل مرگ نماد احساس ناامیدی و پایان است، در حالی که کوره‌ی سوز تب نماد درد و رنج جسمی و روحی است. در این بیت، شاعر از دو تصویر متضاد استفاده کرده است: «طبل مرگ» و «کوره‌ی سوز تب». طبل مرگ نماد پایان و مرگ است، در حالی که کوره‌ی سوز تب نماد زندگی و درد است. این تضاد نشان‌دهنده‌ی دوگانگی احساسی شاعر است که بین مرگ و زندگی، ناامیدی و درد در نوسان است.

شاعر با استفاده از تصاویر قوی مانند «طبل مرگ» و «کوره‌ی سوز تب»، حالات درونی خود را به صورت ملموس و قابل درک بیان کرده است. این تصاویر به خواننده کمک می‌کنند تا احساسات شاعر را به طور عمیق‌تری درک کنند.

از منظر روان‌شناسی، «طبل مرگ» می‌تواند نمادی از احساس ناامیدی و پایان باشد. این احساس می‌تواند ناشی از افسردگی، ناامیدی شدید، یا حتی تجربه‌ی یک فقدان بزرگ باشد. شاعر با بیان این احساس، حالات درونی خود را که با مرگ و ناامیدی همراه است، نشان می‌دهد.

عبارت «تنم از سوز تب چون کوره می‌سوختم» نشان‌دهنده‌ی درد و رنج جسمی و روحی است. تب نماد بیماری و رنج است، در حالی که کوره نماد گرمای شدید و سوزان است. این ترکیب نشان‌دهنده‌ی این است که شاعر در حال تجربه‌ی درد و رنج شدید است، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی.

شاعر در این بیت به دوگانگی احساسی اشاره می‌کند: از یک طرف احساس ناامیدی و مرگ (طبل مرگ) و از طرف دیگر درد و رنج شدید (کوره‌ی سوز تب). این دوگانگی احساسی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی حالات روانی پیچیده‌ای باشد که شاعر در حال تجربه‌ی آن است.

در این بیت، موسیقی (طبل) به عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و تاریک شاعر به کار رفته است. طبل مرگ نمادی از احساس ناامیدی و پایان است که شاعر از طریق موسیقی آن را بیان می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده‌ی قدرت موسیقی در بیان احساسات عمیق و تاریک انسانی است.

این بیت از فریدون مشیری به طور زیبایی از نمادهای موسیقایی مانند طبل برای بیان احساسات عمیق و تاریک انسانی استفاده کرده است. از منظر ادبیاتی، زبان استعاره‌ی و نمادین شاعر، قدرت موسیقی در برانگیختن عواطف را نشان می‌دهد. از منظر روان‌شناسی، این بیت به حالات پیچیده‌ی روانی مانند ناامیدی، مرگ و درد و رنج اشاره دارد. موسیقی در این بیت

به‌عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و تاریک شاعر عمل می‌کند و ارتباط عمیق بین هنر و روان انسان را نشان می‌دهد.

۳. نتیجه گیری

مقاله حاضر به بررسی نقش موسیقی و آلات موسیقی در زندگی و آثار فریدون مشیری، شاعر نام‌آور معاصر ایران پرداخته است. موسیقی به عنوان یکی از عناصر اصلی در شعر مشیری نه تنها به عنوان منبع الهام، بلکه به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان‌بینی هنری او حضور دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که مشیری با استفاده از نمادهای موسیقایی مانند تار، چنگ و طبل، توانسته است احساسات عمیق انسانی را به زیبایی بیان کند و فضایی موسیقایی در اشعار خود خلق نماید.

مشیری در اشعار خود از آلات موسیقی به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم عاطفی و فلسفی استفاده کرده است. برای مثال، تار در اشعار او گاه نماد عشق و شور است و گاه نشانه‌ای از غم و تنهایی. چنگ نیز به عنوان نماد غم و اندوه به کار رفته است و نشان‌دهنده تأثیر عمیق عشق بر روح شاعر است. طبل، به ویژه در ترکیب «طبل مرگ»، نمادی از پایان و ناامیدی است که حالات درونی شاعر را به تصویر می‌کشد.

از منظر ادبیاتی مشیری با استفاده از زبان استعاری و نمادین، قدرت موسیقی در برانگیختن عواطف را نشان می‌دهد. او از موسیقی به عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و درونی استفاده کرده است و ارتباط عمیق بین هنر و روان انسان را به تصویر کشیده است. از منظر روان‌شناسی، اشعار مشیری به حالات پیچیده‌ی روانی مانند شوق، اضطراب، ناامیدی و درد اشاره دارد. موسیقی در این اشعار به عنوان ابزاری برای بیان احساسات عمیق و تاریک عمل می‌کند و نشان‌دهنده قدرت هنر در انتقال احساسات انسانی است.

به طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که موسیقی و آلات موسیقی در اشعار فریدون مشیری نه تنها به عنوان ابزارهای صوتی، بلکه به عنوان نمادهایی از زندگی، عشق و رنج انسان معنا می‌یابند. مشیری با تسلط بر ظرافت‌های موسیقی ایرانی، از سازهای مختلف به عنوان عناصری زنده و پویا در شعر خود استفاده کرده است. این سازها در اشعار او گاه به عنوان نماد عشق و شور، گاه به عنوان نشانه‌ای از غم و تنهایی و گاه به عنوان واسطه‌ای برای بیان حالات درونی شاعر به کار رفته‌اند.

در نهایت می‌توان گفت که موسیقی در اشعار فریدون مشیری نه تنها به عنوان یک عنصر زیبایی‌شناختی، بلکه به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان احساسات عمیق و انتقال مفاهیم فلسفی و عاطفی عمل می‌کند. این پژوهش به درک بهتری از نحوه تعامل مشیری با موسیقی

و چگونگی بازتاب این تعامل در شعرهایش دست یافته است و نشان می‌دهد که موسیقی و شعر در آثار مشیری پیوندی ناگسستنی دارند.



کتاب‌شناسی

آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود (۱۳۳۷)، *نفایس الفنون*، تهران: اسلامیه.
 ابراهیم‌تبار، ابراهیم، احمد غنی‌پور ملک‌شاه، سپیده ضیغم (۱۳۹۹)، «بازتاب اصطلاحات و سازهای موسیقی در غزلیات شمس»، *همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، صص ۱-۱۶

احمدی، بابک (۱۳۸۹)، *موسیقی‌شناسی* (فرهنگ تحلیلی مفاهیم)، تهران: مرکز.
 اطرائی، ارفع (۱۳۶۰)، *فرهنگ موسیقی ایرانی*، تهران: چنگ.
 اطرائی، ارفع و محمدرضا درویشی (۱۳۹۹)، *سازشناسی ایرانی*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

جعفری‌نژاد، کیوان و سروین حزین (۱۴۰۳)، *مبانی موسیقی*، تهران: کارنامه کتاب.
 حدادی، نصرت‌الله (۱۳۷۶)، *فرهنگ‌نامه موسیقی ایران*، تهران: توتیا.
 خیام، مسعود (۱۳۷۵)، *زار بر سر سبزه یا خیام و ترانه‌ها* (زندگی و اشعار حکیم عمر خیام نیشابوری)، تهران: آرش.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، جلد چهارم، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا و نشر روزنه.
 زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸)، *چشم‌شعر نو فارسی*، تهران: توس و دانشگاه تهران.
 سدیفی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، *شناخت و کاربرد موسیقی در رادیو*، تهران: طرح آینده.
 عبدالمؤمن بن صفی‌الدین (۱۳۴۶)، *رساله موسیقی بهجت‌الروح*، تهران: فرهنگ ایران.
 معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران: آدنا.
 محمدی آملی (۱۳۸۲)، *ترانه آبی زندگی* (بررسی زندگی اجتماعی و ادبی فریدون مشیری)، تهران: نگاه.

منصوری، پرویز (۱۳۴۸)، «کاوشی در قلمرو موسیقی ایرانی»، *نشریه موسیقی*، شماره ۱۲۳، صص ۱-۱۷

مشیری، فریدون (۱۳۸۰)، *بازتاب نفس صبحدم: کلیات اشعار*، تهران: چشمه.
 نفری، بهرام (۱۳۷۷)، *اطلاعات جامع موسیقی*، تهران: مارلیک.
 گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۸۶)، *مولویه پس از مولانا*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: علم.
 مری بویس و هنری جورج فارمر (۱۳۶۸)، *خنیاکری و موسیقی ایران*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: آگاه.

ممقانیه، رویین (۱۴۰۲)، «مروری بر تاریخچه چند صدایی در ایران»، *مجله اندیشه*، دوره ۷، شماره ۷، صص ۲۸-۴۲



Music and musical instruments in the life and works of Fereydoun Moshiri from a literary and psychological perspective

Mahmoud Foroutan Mehradrani

۱. PhD in Persian Language and Literature, Lecturer at Shahid Bahonar Campus, Farhangian University, Isfahan, Iran. Email: foroutanmahmood@gmail.com

Article Info (۲۱۷-۲۳۵)

ABSTRACT

Article type: Research Article	This article examines the role of music and musical instruments in the life and works of Fereydoun Moshiri, a contemporary Iranian poet. Music and poetry have always had an inextricable link throughout history, and Moshiri, as a poet whose poems are full of emotion and simplicity, has used music as a source of inspiration and an inseparable part of his artistic worldview. By analyzing Moshiri's poems, this research examines the impact of musical instruments on his poetic space and the symbolic reflection of these instruments in his poems. Musical instruments such as the tar, harp, and drum are used in Moshiri's poems not only as symbols of Iranian culture and art, but also as a tool for conveying deep emotional and philosophical feelings. This article shows how Moshiri creates a poetic atmosphere and beautifully expresses human emotions using music and its instruments. Also, this research seeks to answer the question of how musical instruments serve to express deep concepts in Moshiri's poems.
Article history: Received: ۰۲/۱۱/۲۰۲۴	
Accepted: ۲۷/۰۵/۲۰۲۵	
Keywords: Musical instruments Iranian music Contemporary poetry Fereydoun Moshiri	